

شروع زندگی با دو تماس بی پاسخ

نوشتۀ

حاجی‌آیت رسولی

3-08-1612:44:49 È

www.KitaboSunnat.com

سرشناسه : رسولي، حديث، ۱۳۷۳

عنوان و نام پديدآور : شروع زندگي با دو تماس بي پاسخ / نوشته حديث رسولي؛ ويراستار مريم مويدي.

مشخصات نشر : تهران - انتشارات دهكده هوسم ، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهري : ۱۱۵ ص؛ ۲۱×۱۴ س.م.

شابك : ۱۰۰۰۰۰ ريال ۱ - ۹۶۳۳۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

رعييت شهرست نويسي : فيبا

موضوع : داستان هاي فارسي -- قرن ۱۴

موضوع : Persian fiction -- 20th century

موضوع : داستان هاي تاريخي

موضوع : Historical fiction

رده بندي كنگره : ۴۵۲ - ۳۷۳ / ۴۸۷۳۲ ۳۹۵

رده بندي ديوي : ۶۳۹

شماره كتابخانه اي ملي : ۳۳۲۲۳۶

شابك: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۶۳۳۴ - ۱

شروع زندگي با دو تماس جي پاسخ

ناشر: انتشارات دهكده هوسم

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

مؤلف: حديث رسولي

ويراستار: مريم مويدي

صفحه آرايي: معصومه محمدي

طراح جلد: مريم ماهر

حروف متن: ميترا ۱۳

چاپ و صحافي و ليتوگرافي: سفير اردهال

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۱۰۰۰۰۰ ريال

همة حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداري، اعم از زيراکس و بارنويسي، ذخيره کامپيوتري، اقتباس كلي و جزئي (به جز اقتباس جزئي در نقد و بررسي، و اقتباس در گيومه در مستندنويسي، و مانند آنها) بدون مجوز كتيب از ناشر ممنوع و از طريق مجامع قانوني قابل سزاوارست.

دیباچه

زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که توان تفهیم و تفاهم در علوم گوناگون بشری را داشته و در این زبان وسیله انتقال تمدن‌های بزرگ بوده و به دلیل محتوا و پیشینه درختن خرد، بعرض مهمی از فرهنگ جهانی است و ادبیات فارسی مجموعه آثار گران‌بنگ را شامل می‌شود که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت تسیم کرده‌اند و غلیان عاطفه و احساسی که در شاعر یا نویسنده فارسی‌زبان، شکل می‌گیرد را برای قریب‌ایسر ادبی کرده است. تجربیات حسی یا اشراقی او را در قالب "تجربیات هنری" به زبان ماندگار بیان می‌کنند. ادبیات با ذوق و احساس و عواطف انسان‌ها ارتباط دارد و هدف آن به‌طور معمول، القای عاطفه است. زبانی که در ساختن ادبیات استفاده می‌شود، با زبان عادی و علمی متفاوت است. جهان واقعیت و عقلانی متضاد با جهان خیال و عاطفه است؛ از همین روی زبان آن دو نیز متفاوت است. زبان در ایج‌ترین و آشناترین کارکرد خود، وسیله برقراری ارتباط بین انسان‌هاست. زبان در این کارکرد براساس هنجارها، اصول و قواعدی مرسوم و تعیین‌شده به کار برفته می‌شود که مهم‌ترین هدف آن، رساندن هرچه واضح‌تر و آسان‌تر معناست. واژگان، ترکیبات و به‌طور کلی همه عناصر زبانی بر اثر تکرار و مداومت در کاربرد عادی و روزمره، کهنه و تکراری می‌شوند و تنها وسیله انتقال پیام خواهند بود و عواطف و احساسات شنونده از شنیدن چنین زبانی کمتر برانگیخته می‌شود. کارکرد مهم دیگر زبان، در حیطة ادبیات و همراه با خلاقیت هنری است. ادیبان با ذهن

خلاق و تسلط خود بر وجوه کلام و زبان، با تغییرات و انحرافات که در زبان معیار به وجود می‌آورند، خون تازه‌ای در جسم زبان جاری می‌سازند و شنونده را به شگفتی وا می‌دارند.

ادیب با تمهیداتی که در به‌کارگیری زبان انجام می‌دهد، موجب ایجاد درخشش و تازگی در زبان می‌شود. او با به‌کارگیری برخی شگردها، زبان عادی را ویران می‌کند و قاعده‌های مرسوم را در هم می‌شکند و ادراک حسی ما را دوباره سامان می‌دهد. در این مسیر قاعده‌های آشنا و ساختارهای به‌ظاهر ماندگار و ادبی رنگ‌دگم می‌کند.

زبان ادبی حاصل کوشش و خلاقیتی ذهنی براساس هنجارهای خاص زیباشناختی است. جان بخشی، اسطوره‌ها، نشانه‌ها و کنایات، حس آمیزی، هنجارگریزی‌های واژگانی، معنایی و... موجب برجستگی و تشخیص این زبان می‌شوند و آن را از زبان روزمره جدا می‌سازند. به‌طور کلی زبان مجازی و ادبی مناسب‌ترین و وسیع‌ترین قلمرو برای

بلندپروازی‌های تخیل ادیبان است که گفتار آن‌ها را از تنگنای زبان عرف و حقیقی می‌رهاند و به عالم پرشگفتی هنر وارد می‌کند. این زبان از زبان عادی نشئت می‌گیرد، تکامل می‌یابد و با تمهیدات هنری آراسته می‌شود. زبان مستقل می‌شود؛ به گونه‌ای که چیزی می‌گویند و چیز دیگری را اراد می‌کنند.

آثار ادبی را می‌توان در دو گروه نظم و نثر جای داد. از این میان نثر بیشتر برای نوشتن متون علمی و غیر ادبی مانند: نجوم، طب و... استفاده می‌شده و این علوم هم، مخصوص به قشر خاصی از جامعه هستند و هم، نمی‌توان آن‌ها را جزو ادبیات به‌معنای امروزی آن محسوب کرد. گویی هنرمندان، ادبیات را در شعر می‌یافته‌اند و از همین روی ادبیات فارسی در بخش شعر جایگاه والاتری در جهان دارد و موفقیتش در نثر نسبت به شعر کم‌رنگ‌تر بوده و از همین روی داستان و رمان بسیار دیر در ایران به وجود آمده‌اند؛ اما از زمان پیدایش تا کنون بسیار مورد توجه هنرمندان نویسنده و مخاطبان سخن‌سنج و معنajo قرار گرفته و به شکلی سریع در لایه‌های ذهن جامعه رسوخ کرده و دومین نوع ادبی محبوب بعد از شعر گردید.

دلایل زیادی وجود داشته‌اند که قشر هنرساز جامعه بیشتر به سمت شعر سوق یافته و جامعه نیز در نگهداری شعر بیش از نثر تلاش انجام داده است؛ اما در میان آثار نثر فارسی نیز کم نیستند نمونه‌هایی که از تخیل، عاطفه، ظرافت، اندیشه، مضمون و هنر والایی برخوردارند و مورد توجه همگان قرار گرفته‌اند و نویسندگان بزرگ و چیره‌دست نیز در تمامی تاریخ ادب فارسی هم‌عنان با شاعران و دیگر هنرمندان نقشی بزرگ در انتقال فرهنگ و اندیشه داشته‌اند و به خصوص در نمونه‌های نثرهای ادیبانه و شاعرانه دنیایی سخن را در کوتاه‌ترین و زیباترین بیان انتقال داده‌اند و کلامشان آینه تمام‌نمای باورها، فرهنگ، تاریخ، دین و اندیشهٔ نسلی مختلف شده و با درنوردیدن زمان و مکان، از حنجرهٔ انسان‌های مختلف در طول قرون، شنیده شده است. آنان هستند که با اعجاز در سخن و نزدیک کردنش به شعر، نهفته‌های فکر و نشیده‌های درون جامعهٔ زمان خویش را بر بال زیباترین تصاویر نشاده و برای آیندگان به جلوه گذارده‌اند.

در سطرهٔ هنری در دوره‌های مختلف تاریخی، کشورها قرار و نشیمن‌های گوناگون روبرو بوده و در هر زمانی محل باورها، مضمون‌ها، اندیشه‌ها و زمینه‌های مختلفی شده است. در زمان معاصر و با ارتباط فرهنگ‌ها و رشد سریع جوامع و شتاب اعجاب‌انگیز تکنولوژی، نثر همچنان زبان و رسانهٔ متداول است و بسیاری هنرمندانی که علاوه بر انتقال مفهوم و اندیشه، زیبایی و هنر را نیز در سخنشان به بهترین شکلی می‌توان دریافت.

خانم رسولی از خیل کسانی است که با قدرت تخیل و توان فهم عمیق بر فصاحت و بلاغت مصروف داشته است و ذوق لطیف و بیان زیبایی سری را از جمله جملهٔ سخنش می‌توان حس کرد. او زبان و بیانی امروزی دارد و ذهن و تخیل وی هنرمندانه و پر احساسند. در حوزهٔ زبانی و کاربرد واژگان و اصطلاحات، از واژگان، اصطلاحات و تعبیرات امروزی بهره برده است و واژگان سخنش همان واژه‌های معمول و رایج جامعه‌اند.

باید گفت سادگی، روشنی و وضوح بیان، از ویژگی‌های اصلی سخن او هستند و

زبانی ساده و روان و به دور از تعقیدهای لفظی و معنوی بر مجموعه «شروع زندگی با دو تماس بی‌پاسخ» حاکم است. این امر نشان از تسلط و چیرگی او بر کلام است. هر اثر ادبی ترجمان و روایتی هنری از دنیا و دنیاهای صاحب آن است که با تخیل، آشنایی‌زدایی، برجسته‌نمایی و دیگر شگردهای سخنوری در زنجیره‌ای از واژگان و اصطلاحات گلچین شده و با سلیقه‌ای متفاوت با دیگران بیان می‌شود و در پس آن هنرمندی ایستاده است که دنیای درونی و جان و جهان خود را برایمان روایت می‌کند و در این روایت، محتوا و شکل بیان آن، قابل توجه و بیان‌کننده میزان مهارت و توانمندی نویسنده‌اند و زبان هنری و آفرینش‌های آن، ابزار و دست‌مایه‌ی تمام بر در این ابداعند و تحلیل و بررسی این وجوه و قدرت خلاقیت و میزان دوز و عافیه در این آفرینش، جایگاه او را در میان دیگر

سخن‌پردازان مشخص می‌نماید. در سال‌های اخیر نویسندگانی بسیار از عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون طبع آزموده و حاصل ذوق و احساس خویش را بر محل مجموعه‌های داستان، رمان، نقد ادبی و... در قالب‌های مختلف به مخاطبان سخن‌منج و ادب‌دوست سپرده‌اند و هر کدام به‌گونه‌ای در این آئینه به تماشای بازتاب اندیشه و احساس خود در جامعه ادبی و هنردوست نشسته‌اند. تحلیل و بررسی این آثار می‌تواند تا حد زیادی نویسنده را از معایب و محاسن سخن خود آگاه کند و در جا ساهش را در بستان پرظرافت و نگار ادب فارسی بازشناساند.

خانم رسولی «شروع زندگی با دو تماس بی‌پاسخ» را توفانی آغاز می‌کند. شروعی با یک تصویرسازی قوی که مخاطب را به خواندن ترغیب می‌کند و در ادامه، فضا سازی و تصویرگری‌های کتاب به شکلی مناسب و ملموس مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند و او را به هم‌حسی بیشتر دعوت می‌کند. روایت از انسجام کافی برخوردار است و لحن رمان بی‌تغییر خواننده را تا پایان همراهی می‌کند.

انتخاب عنوان کتاب جذاب و برای مخاطب رغبت‌برانگیز است و شخصیت‌پردازی با شگردهای هنری شکل می‌گیرد؛ به‌طوری که حتی با یک توصیف و یا جمله کوتاه، شخصیت برای ما معرفی و قابل لمس می‌شود. از طرفی نیز کنش‌ها و ویژگی‌های

ظاهری و باطنی و حتی خودگویی‌های متفکرانه به شخصیت‌پردازی آن بسیار کمک کرده است.

ساختار نمایشنامه‌ای و وجود دیالوگ‌ها در برخی بخش‌های رمان - بدون آنکه به ساختار داستان صدمه‌ای وارد کنند - نکته قابل توجه آن هستند که بر سادگی و روانی‌اش می‌افزایند و تعلیق‌های داستان نیز با ایجاد یک گره‌افکنی دقیق، کنج‌کاوی خواننده را برای میل به دانستن پایان داستان ترغیب می‌کنند و نکته مثلاً دیگر این کتاب آن است که به‌طور دقیق متعلق به مکانی خاص نیست و می‌توان آن را به هر زبانی ترجمه کرد؛ اما شاید اگر گره‌های بیشتری می‌افکند و پردازش داستان بیابان می‌شد، مناسب‌تر می‌نمود.

دکتر علی‌اکبر کمالی‌نهاد

دبیر، انجمن علمی معلمان زبان و ادبیات فارسی کشور

3-08-1612:44:49 È

www.etaab.ir

مقدمه مؤلف

می‌نویسم ، اما ، مادری در سرزمین‌های دوردست که هنوز هم منتظر دیدن
فرزندش ، است.

برای پدری که هیچ‌توان بلند کردن بیل را ندارد. اما، مجبور است.
برای روسری‌هایی که اشک‌های خواهران را بیشتر از دستمال‌های کاغذی

پاک کرده‌اند.
برای تمام کلاه‌های رومانی که در دهان‌های بیشتر از شادی‌ها بر روی سر
گذاشته شدند.

برای مردمانی که آخرین بار فرزندان‌شان را این‌کوبند تا بوی عطر تن‌شان را
فراموش نکنند.

برای جوانانی که رفتند تا برگشتن‌هایی باشد از بوی آزادی ، نرفتن‌هایی که
ماندند تا تقاص جنگ‌ها را پس بدهند.

برای کودکی که سربازی را می‌کشد تا بتواند سرگذشت آدم‌ها را ، بیان کند
که تاریخ تولدشان دست خودشان نبوده است.

موسیقیدان‌هایی که نت‌هایی را کوک کردند و پرنده‌گانی که مجبور شدند
اشک‌هایشان را نه با برگ‌ها، بلکه با سیم‌های برق پاک کنند.

برای نویسندگان که تاریخ‌نویس‌های تاریخ شدند.

نویسندگان که از هر چیزی استعاره ساختند تا مادری را در سرزمینی دور

بستایند.

بستایند چشمانی که آخرین بار فرزندانشان را دیدند و خواهرانی که پای پدرها ماندند تا از همان زمین، امیدهایی جوانه بزنند. و چقدر سخت است با قلمت متعهد شوی از چیزهایی بنویسی که اذیتت می کنند. از حوادثی در آن سمت دنیا تا روزگاری که زندگی می کنی. این است حکایت از آدم هایی که آمدند، زندگی کردند، اما هیچ نشانی از خودشان باقی نگذاشتند.

من از جنگ سه ماه می نویسم که سی سال تمام برای پرندگانی موسیقی می نوازدم که اشک عایشان را برگ ها پاک کنند نه سیم ها. و کدام کتاب می تواند از آثار را بیان کند؟

و کدام موسیقی می تواند بی را کوک کند برای پرندگانی که با برگ ها هم آواز باشند؟

و چقدر کسی می داند چه زمانی ساعت ها بی قرار آمدن می شوند. سپاس خدای متعال را که پس از یک سال و نیم زمان گذاشتن، داستان شروع زندگی با دو تماس بی پاسخ به پایان رسید. باشد که زندگانی هریک از ما با هیچ تماس بی پاسخی آغاز شود.

شروع زندگی با دو تماس بی پاسخ حکایت آدم هایی است که سینه شان پر از حرف هایی است که مجبورند تقاص نسل های قبل از خود را بپردازند، باز هم سکوت می کنند. سکوت هایی به قدمت یک نسل. نسلی که از آغازین راهی امیدوار بودن و ناامیدی بدون آنکه بخواهند ایستاده اند.

جا دارد اینجا از معلمان و استاد هایی یاد کنم که باعث شدند قلم در دست بگیرم و بنویسم. بنویسم از هر آنچه که می بینم. معلمانی که اجازه ندادند لحظه ای دچار ناامیدی شوم. بی شک نقش حمایتی شما بسیار مهم تر از گرفتن قلم در دست است.

از خانواده عزیزم سپاسگزارم که هرگز حمایت خودشان را رها نکرده و اجازه دادند به دنبال آرزوهایم بروم. این کتاب را تقدیم می کنم به پدر و مادرم عزیزم و عمه ای که سی سال منتظر است.

بی تردید این نوشته ناقص خواهد بود اگر از حمایت‌های عموی عزیزم غلام‌عباس رسولی منش در چاپ این کتاب سخن نگویم.

از خواهر عزیزم نگار سیاسگزارم که اولین نفر استعدادم را کشف کرد و در اوایل شروع نویسندگی پایه‌پایم در جلسه‌های داستان شرکت می‌کرد.

در پایان از زحمات و پیگیری‌های مجدانه مردی خوش‌قلب، جناب آقای مهندس محمد خودسوز، برای انتشار این کتاب، دقت بی‌نظیر مریم مؤیدی عزیز، ویراستار محترم و همچنین صفحه‌آرایی زیبای خانم معصومه محمدی سیاسگزارم.

حدیث رسولی

بهار ۱۳۹۵

3-08-1612:44:49 È